

معرفی و نقد کتاب نظم بین‌الملل در تئوری و عمل^۱



قاسم ترابی^۲

۱. علیرضا رضایی. نظم بین‌الملل در تئوری و عمل، همدان، سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی با همکاری واحد همدان، صص ۳۰۶، ۱۳۹۱.

۲. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان (Ghasemtoraby@gmail.com).

مقدمه

بدون تردید محوری‌ترین و بنیادی‌ترین مفهوم و موضوع در عرصه‌ی روابط بین‌الملل، مفهوم و موضوع «نظم بین‌الملل»^۱ است. اهمیت و محوریت نظم در عرصه‌ی روابط بین‌الملل تا آنجاست که می‌توان گفت، کم‌وبیش تمامی دیدگاه‌ها و نظریات مطرح در مناظرهای اول تا چهارم، همگی در ارتباط با بخش خاصی از نظم بین‌المللی بوده‌اند و همگی در همین ارتباط صحبت نموده‌اند. به تعبیری دیگر، نظم بین‌المللی عصاره و چکیده‌ی روابط بین‌الملل و همچنین واقعیت بنیادینی است که همه‌ی کارشناسان و نظریه‌پردازان به دنبال شناخت و تبیین آن هستند. برای نمونه «واقع‌گرایان»^۲ به عنوان شناخته شده‌ترین نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، عمدتاً بر روی محورهایی همچون امنیت و بعد نظامی تمرکز نموده‌اند و نظم را از جنبه‌های امنیتی و نظامی مورد واریسی و تعمق و تفحص قرار داده‌اند. از سوی دیگر «آرمان‌گرایان»^۳ و «لیبرال‌ها»^۴ بیشتر بر جنبه همکاری‌جویانه، حقوقی و امکان صلح تأکید دارند. در نتیجه آن‌ها ابعاد اقتصادی، حقوقی و نهادی نظم بین‌الملل را با اهمیت‌تر ارزیابی می‌کنند. به همین شکل بیشتر «مارکسیست‌ها»^۵ بر جنبه‌های اقتصادی و ناعادلانه‌ی نظم بین‌المللی تأکید دارند.

در مقابل نظریه‌های انعکاسی و انتقادی اصولاً خود مفهوم نظم بین‌الملل را هدف قرار داده‌اند و رهایی بشر را تنها در سایه‌گذار جدی و یا حداقل اصلاح بنیادین نظم کنونی ارزیابی می‌کنند. در این بین نظریه‌پردازان «سازنده‌گرایی»^۶ بیشتر بر ابعاد هنجاری و ارزشی نظم بین‌الملل تأکید دارند و نظم بین‌الملل را برساخته‌ی اقدامات و سیاست‌های کشورهای مختلف می‌دانند. نظریه‌پردازان «مکتب فرانکفورت»^۷ نیز نظم کنونی را برآمده از عقل

1. International Order
 2. Realism
 3. Idealism
 4. Liberalism
 5. Marxism
 6. Constructivism
 7. Frankfurt School

ابزاری می‌دانند و خواهان اصلاحات جدی در آن با کمک عقل فرهنگی، ارتباطی و انتقادی هستند. در نهایت «پست مدرن‌ها»^۱ اصولاً نظم کنونی را قابل اصلاح نمی‌دانند و خواهان نظمی جدید و متفاوت هستند.

همان‌طور که کاملاً مشخص و مبرهن است، کلیه‌ی نظریه‌های مهم و شناخته شده‌ی روابط بین‌الملل، کم‌وبیش در نهایت در مورد ابعاد مختلف یک مفهوم و موضوع، بحث، بررسی، نقد و واری می‌کنند. منتهی هر کدام تمرکز خود را بر جنبه‌ی خاصی قرار داده‌اند و سایر جنبه‌ها را به حاشیه برده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت برای شناخت بهتر روابط بین‌الملل باید دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف را مورد مطالعه قرار داد تا به کمک آن‌ها درک عمیق‌تر و کامل‌تری از نظم بین‌الملل و در نتیجه روابط بین‌الملل پیدا کرد.

با وجود اهمیت این موضوع و جایگاه برجسته‌ی نظم در روابط بین‌الملل، متأسفانه تاکنون این مفهوم آن‌چنان که بایسته و شایسته است، مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. البته در زبان انگلیسی بحث نظم یکی از موضوعات مورد توجه می‌باشد و هر ساله کتب و مقالاتی در همین ارتباط نگاشته می‌شوند؛ با این وجود تاکنون به فارسی کتاب یا مقاله‌ی خاصی در این ارتباط نوشته نشده است. در نتیجه‌ی این امر در زبان فارسی، خلع تحقیقاتی و مطالعاتی گسترده‌ای در ارتباط با مفهوم نظم وجود دارد که نیازمند توجه و تعمق جدی از سوی کارشناسان این حوزه می‌باشد.

در این راستا کتاب حاضر که در همین ارتباط و با عنوان «نظم بین‌الملل در تئوری و عمل» توسط دکتر علیرضا رضایی نوشته شده است از ارزش و جایگاه خاصی برخوردار می‌باشد. به تعبیری این کتاب را می‌توان مقدمه‌ای مفید برای شروع بحث در ارتباط با مفهوم نظم ارزیابی نمود. نویسنده با آگاهی از این نقصان، در این کتاب تلاش نموده تا گامی اساسی برای تبیین مفهوم نظم بین‌المللی بردارد و این مفهوم را در ابعاد نظری و

عملی مورد کنکاش قرار دهد. از نظر ساختاری، کتاب حاضر مشتمل بر یک مقدمه و چهار فصل کاملاً مفصل می‌باشد که در ادامه مهم‌ترین محورها و مباحث هرکدام مورد بحث قرار می‌گیرد و در نهایت نقد و ارزیابی مطرح می‌شود.

معرفی اجمالی کتاب

نویسنده در مقدمه‌ی کتاب موضوع اصلی را مورد بحث قرار می‌دهد و تلاش نموده تا جای ممکن ذهن خواننده را با بنیادهای ذهنی و مفهومی بحث که همان نظم بین‌المللی می‌باشد آشنا سازد. در مقدمه، بحث با اهمیت و جایگاه نظم بین‌المللی آغاز شده است، سپس مفاهیم اساسی کتاب همچون نظام بین‌الملل، نظم بین‌الملل و چالش‌های نظام بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ضمن این که در ادامه، ساختار و فصل‌بندی کتاب مطرح شده است. همچنین در ابتدای کتاب مقدمه‌ای از خانم دکتر حمیرا مشیرزاده، متخصص نظریه‌های روابط بین‌الملل بر کتاب نوشته شده است که در آنجا نیز در ارتباط با محوریت نظم در عرصه‌ی نظری و عملی روابط بین‌الملل و همچنین نقصان‌های موجود در زبان فارسی در این ارتباط بحث شده است.

فصل اول: چالش‌های نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد

فصل اول در ارتباط با چالش‌های نظام بین‌الملل در دوران پس از جنگ سرد است. بسیاری از کارشناسان به دنبال فروپاشی شوروی و پایان نظام دوقطبی امیدواری و خوشبینی فراوانی داشتند، مبنی بر این که فصل جدیدی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل آغاز شده است که به جای جنگ و درگیری بر تعامل و تفاهم تأکید می‌شود. در چنین فضایی دولت آمریکا در ابتدای دهه‌ی نود، از نظم نوین جهانی صحبت نمود و بر سطح و عمق امیدواری‌ها افزود. با این حال تغییر نظام بین‌الملل تنها شکل و چگونگی درگیریها را تغییر

داد و با تغییر نظام چالش‌های جدیدی در عرصه‌ی بین‌المللی شکل گرفت. چالش‌هایی که از نظر شکل و ماهیت تا اندازه‌ای متفاوت از دوران جنگ سرد هستند، اما همچنان نظم و امنیت بین‌المللی را به شکل جدی تحت تأثیر و تهدید قرار می‌دهند.

در چنین فضایی نویسنده در این فصل تلاش داشته تا تهدیدات دوران پس از جنگ سرد را مورد بحث و بررسی قرار دهد. وی با مفهوم‌پردازی چالش‌ها را در چهار قالب چالش‌های ساختاری، نهادی، ارزشی و نهادی تقسیم‌بندی نموده است. در بخش اول، چالش ساختاری که بحث عدم توازن قدرت و قوا بین قدرت‌های بزرگ می‌باشد، مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم، ضعف کارایی نهادهای بین‌المللی در تدبیر امور جهانی مطرح شده است. چالش بعدی، ضعف ارزش‌های عمومی جهانی و رشد ارزش‌های بوجود آورنده‌ی دشمنی و نظم جهانی می‌باشد، که نویسنده از آن تحت عنوان چالش هنجاری یاد نموده است. در نهایت در بخش آخر از این فصل، چالش رفاهی که شکاف بین دارا و ندار یا غنی و فقیر می‌باشد مورد کنکاش قرار گرفته است.

فصل دوم: تئوری‌های روابط بین‌الملل و مسأله‌ی نظم بین‌المللی

در فصل دوم، نویسنده تلاش نموده تا مفهوم و جایگاه نظم بین‌المللی را در سطح تئوریک و در بین نظریه‌های مطرح روابط بین‌الملل مورد بحث و بررسی قرار دهد. در واقع سؤال اصلی این فصل این سؤال است که نظریه‌های شناخته شده‌ی روابط بین‌الملل هر کدام چه برداشتی از نظم بین‌المللی دارند و چه بعدی از نظم را ارجحتر و مهمتر از سایر ابعاد می‌دانند؟ برای پاسخ به این سؤال بنیادین نویسنده چهار تصویر متفاوت از نظریه‌های روابط بین‌الملل و در نتیجه از نظم بین‌المللی ارائه نموده است.

تصویر اول که به واقع‌گرایان تعلق دارد، تصویری مبتنی بر نگاهی نظامی و امنیتی و بر اساس مفهوم موازنه‌ی قوا است. در واقع واقع‌گرایان نظم را بیشتر در بعد نظامی و امنیتی

و در چارچوب حفظ موازنه معنا و مفهوم می‌کنند. در تصویر دوم که متعلق به لیبرالیست‌ها و به خصوص نهادگرایان است، نظم بیشتر بعدی نهادی و حقوقی دارد. در این چارچوب بیشتر بر نقش نهادها و سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی در ایجاد و حفظ نظم بین‌المللی تأکید می‌شود. در تصویر سوم، صحبت از نظم ایده محور می‌شود که به نظریه‌پردازان سازنده‌گرا تعلق دارد. به باور این کارشناسان نظم بین‌الملل بیشتر برآمده از ایده‌ها و ارزش‌های دولت‌ها و بازیگرانی است که نظام بین‌الملل را می‌سازند. در تصویر چهارم از نظم عدالت محور بحث می‌شود که عموماً به نظریات و دیدگاه‌های اقتصاد سیاسی تعلق دارد و خواهان نظمی عادلانه می‌باشد. در این بخش بیشتر بحث بر نظریات اقتصادی، سیاسی و به خصوص نظریه پردازان مارکسیست متمرکز دارد. در نهایت نویسنده در جمع‌بندی این فصل از نظم تعامل محور به عنوان نظمی بهینه یاد می‌کند.

فصل سوم: تبیین الگوی بازیگران اصلی نظام بین‌الملل از نظم بین‌الملل

برخلاف فصل قبلی که عمدتاً بر تبیین و واکاوی نظری مفهوم نظم در عرصه‌ی نظریه‌های روابط بین‌الملل متمرکز دارد، فصل جاری با هدف تبیین عملی نظم در سیاست و اهداف کشورهای بزرگ نوشته شده است. در واقع در این فصل نویسنده قصد دارد تا نظم بین‌المللی را در عرصه‌ی عملی تبیین نماید. در نتیجه وی تلاش نموده تا نوع نگاه و برداشت آمریکا، اروپا، روسیه، چین و کشورهای در حال توسعه از نظم بین‌المللی را مورد واکاوی قرار دهد. ضمن اینکه سیاست‌ها و برداشت این کشورها از نظم بین‌المللی در عرصه‌ی عملی تا حد زیادی ناشی از انگاره‌های نظری می‌باشد. به تعبیری دیگر رویکرد هر کدام از این کشورها در واقع انعکاسی از نظریاتی می‌باشد که در فصل قبلی مورد بحث قرار گرفته‌اند. در نتیجه این دو فصل به شکلی مکمل همدیگر هستند و مطالب هر کدام به درک عمیق‌تر از دیگری می‌انجامد.

با این تفاسیر در بخش اول از این فصل رویکرد آمریکا به نظم بین‌المللی مطرح شده است. البته در ابتدا جایگاه و قدرت آمریکا در عرصه‌ی بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته است. علت این موضوع در آنست که قدرت و جایگاه کشورها در برداشت آنها از نظم دلخواه نقش بنیادینی دارد. آمریکا تحت تأثیر قدرت یگانه خود نظم را بیشتر در چارچوب ایده‌ها مطرح می‌کند و از نظم ایده‌محور حمایت می‌کند. در کنار آمریکا، کشورهای اروپایی با توجه به جایگاه پایین‌ترشان و نزدیکی که به آمریکا دارند و همچنین سابقه‌ی موفق‌شان در عرصه‌ی نهادسازی، از نظمی نهادمحور حمایت می‌کند. در مقابل چین و روسیه با توجه به جایگاه‌شان در عرصه‌ی روابط بین‌الملل و تفاوت‌های هویتی با آمریکا و اتحادیه اروپا، عمدتاً به دنبال نظمی موازنه‌محور هستند. در نهایت کشورهای در حال توسعه به دلیل انتقادات گسترده از نظم موجود و جایگاه پایین‌شان در عرصه‌ی بین‌المللی، به دنبال تغییرات بنیادین در نظم و به تعبیری حرکت در مسیر نظمی عدالت‌محور هستند.

فصل چهارم: تبیین شاخص‌های الگوی مطلوب از نظم در نظام بین‌الملل کنونی

در نهایت نویسنده در فصل آخر نتیجه‌گیری خود را از مباحث ارائه می‌دهد. وی این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که اتفاق نظری بین کشورهای بزرگ و همچنین کشورهای در حال توسعه در ارتباط با نظم بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد وجود ندارد. کشورهای بزرگ هرکدام با توجه به جایگاه خود در عرصه‌ی بین‌المللی و سابقه و ارزش‌های خاص‌شان، نگرشی متفاوت نسبت به نظم مطلوب دارند. در نتیجه‌ی فقدان اتفاق نظر در عرصه‌ی بین‌المللی در ارتباط با نظم مطلوب، نوعی سردرگمی شکل گرفته است. در واقع بخش مهمی از اختلافات موجود بین کشورها، به خصوص اختلافات موجود بین غرب با چین و روسیه و حتی گاهی آمریکا و اروپا ناشی از همین عدم اتفاق نظر است. در پایان

نویسنده تلاش می‌کند شاخص‌های الگوی مطلوب از نظم در نظام بین‌الملل کنونی را مورد بحث قرار دهد و از نظمی صحبت نماید که بیشتر تعامل محور است. نظمی که در مورد آن بین کشورهای غربی، چین، روسیه و همچنین کشورهای در حال توسعه اتفاق نظر وجود دارد و این امر امکان گسترش صلح در عرصه‌ی بین‌المللی را گسترش می‌دهد.

تحلیل و ارزیابی کتاب

کتاب نظم بین‌المللی در تئوری و عمل بدون تردید یکی از بهترین کتاب‌های تئوریک تألیفی است که طی چند سال اخیر به زبان فارسی در حوزه‌ی مطالعات نظری در روابط بین‌الملل نگاشته شده است. این کتاب از حیث موضوعی، روشی و محتوایی دارای نکات و ویژگی‌های برجستگی است که روی هم رفته بر غنای علمی آن افزوده است. از حیث موضوعی کتاب حوزه‌ای را مدنظر قرار داده است که متأسفانه در ارتباط با آن به زبان فارسی کتب و مقالات محدودی^۱ نوشته شده است. این محدودیت به گونه ایست که می‌توان گفت کتاب حاضر شاید اولین اثری باشد که در سطح گسترده و در ابعاد مختلف نظم بین‌المللی را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

از حیث روشی نیز ساختار و سازماندهی اثر در سطح خوبی قرار دارد. در نتیجه این ساختاربندی خوب، مطالب فصول و ترکیب‌بندی مباحث به شکلی است که انسجام خاصی به ذهن خواننده می‌دهد. در این کتاب بحث با تعریف نظم بین‌المللی و چالش‌های بین‌المللی آغاز می‌شود؛ سپس ابعاد نظری و عملی نظم مورد واری قرار می‌گیرد. در نتیجه در کتاب انسجام و هماهنگی خاصی مشاهده می‌شود. در نهایت از حیث محتوایی تقریباً می‌توان گفت کتاب انعکاسی جدی از مباحث محتوایی، نظریه‌های مختلف،

۱. غالب مقالات منتشر شده در فصلنامه‌های تخصصی موجود کشور در حوزه‌ی مطالعات نظم بین‌المللی بیشتر توسط نویسنده کتاب مذکور تألیف و نشر یافته است.

اختلافات و شباهت‌های نظری در عرصه‌ی روابط بین‌الملل، برداشت‌های گسترده و متناقض از نظم در بین کشورها و مواردی از این قبیل است. در نتیجه‌ی این گستردگی و عمق محتوایی، مطالعه‌ی کتاب به شکلی خواننده را با طیف گسترده‌ای از مهم‌ترین مباحث و ریشه‌های‌ترین اختلافات نظری و عملی در عرصه‌ی بین‌المللی آشنا می‌سازد.

علی‌رغم این نکات مثبت، در کتاب مواردی مشاهده می‌شود که شایسته‌ی توجه بیشتری بوده‌اند. از جمله این که کتاب نیازمند مقدمه‌ای جدی‌تر و گسترده‌تر در ارتباط با موضوع محوری کتاب است. در این اثر هرچند دو مقدمه برای کتاب وجود دارد، با این حال هر دو مقدمه بیشتر شکل پیش‌درآمد را دارد و نقش یک مقدمه‌ی جدی و کامل را بازی نمی‌کنند. در نتیجه‌ی این امر خواننده به یکباره بحث را در فصل اول و با محوریت چالش‌ها در عرصه‌ی بین‌المللی پس از جنگ سرد آغاز می‌کند. بر این اساس، در صورتی که کتاب، فصلی تحت عنوان مقدمه داشت، فضای بهتری برای بحث‌های مقدماتی مهیا می‌شد و خواننده آمادگی بهتری برای ورود به بحث اصلی پیدا می‌کرد.

مسأله‌ی بعدی آنکه هرچند در این کتاب تمرکز نظری گسترده‌ای بر مفهوم نظم صورت گرفته است، اما در این تمرکز بیشتر نگاه خردگرایانه به نظم دیده می‌شود. به تعبیری دیگر نگاه نظری به نظم بیشتر در چارچوب نظریات و رویکردهای نظری «خردگرایان»^۱ شامل واقع‌گرایان و لیبرال‌ها قرار دارد. البته نویسنده در بخش‌هایی وارد نظریات و تفکرات نظریه‌پردازان انعکاسی و انتقادی به خصوص نظریات سازنده‌گرایان شده است، با این حال وزنه در سرتاسر کتاب به سود خردگرایان سنگینی می‌کند. البته این امر تا حد زیادی به دلیل ماهیت متفاوت این دو است. به هر حال نظریه‌پردازان انعکاسی و انتقادی همچون پست مدرن‌ها، بیشتر دیدی انتقادی و سلبی به روابط بین‌الملل و نظم دارند. با این وجود رویکرد سلبی نمی‌تواند به تنهایی عاملی برای به حاشیه بردن آنها باشد.

بدون تردید بحث از نظریات و رویکردهای نظریه‌پردازان انعکاسی و انتقادی، به خصوص در مورد نظمی که خردگرایان اصولاً در چارچوب آن بحث می‌کنند می‌توانست بر غنای علمی کار بیفزاید.

در مجموع کتاب مذکور می‌تواند منبعی مفید جهت اساتید، دانشجویان و محققان روابط بین‌الملل در ایران باشد. به عنوان منبعی مفید جهت تدریس دروس اصول روابط بین‌الملل، نظریه‌های روابط بین‌الملل و سیاست خارجی قدرتهای بزرگ مورد استفاده استادان و دانشجویان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قرار گیرد.